

غلبه فرهنگ بر تجارت در سوگ ناشری متعهد

مترجمان به دو طریق رسالت فرهنگی خود را به انجام می‌رسانند؛ با ترجمه آثار منفرد و با ترجمه نظام‌مند یک سلسله آثار خاص که هدف آنها معرفی گفتمان‌های جدید یا تغییر گفتمان باشد. بدیهی است این طریق دوم مؤثرتر است و به تحولات فرهنگی می‌انجامد، و درست به همین دلیل است که مقاومت بیشتری در برابر آن صورت می‌گیرد.

ترجمه در شکل دوم آن طبعاً از توان فرد مترجم خارج می‌شود و به رسالت ناشران، و طبعاً ناشران بخش خصوصی، تبدیل می‌شود، چون بخش دولتی، به‌رغم اینکه استطاعت لازم را دارد همت و اعتقاد به تحولات فرهنگی زیربنایی را ندارد. در تاریخ نشر ایران همیشه بوده‌اند ناشرانی، ولو اندک، که هدف خود را دقیقاً تعریف کرده و، به‌رغم مشکلات مالی و ممیزی، به آن هدف پایبند بوده‌اند و مجموعه‌هایی ارزشمند و اثرگذار ترجمه کرده‌اند.



یکی از ناشران این قبیل مجموعه‌ها انتشارات «روشنگران و مطالعات زنان» است که در ۱۳۶۲ در تهران توسط شهلا لاهیجی ابتدا با نام «روشنگران» پایه‌گذاری شد و از ۱۳۷۵ به «روشنگران و مطالعات زنان» تغییر نام داد. رسالت این انتشارات که در نام آن به‌صراحت

آمده، روشنگری و موضوع زنان است و هیچ تعجبی هم ندارد که مؤسس این انتشارات اولین بانوی ناشر ایرانی هم باشد. روشنگران و مطالعات زنان علاوه بر جاپ کتاب‌های ارزشمند تألیفی در حوزه ترجمه نیز بسیار فعال بوده و مجموعه‌ای از ترجمه‌های ارزشمند با هدف «ارائه تجربیات مشابه از سایر نقاط جهان، برابری حقوق زن و مرد، آزادی‌های انسانی، حقوق بشر، دموکراسی، عدالت اجتماعی، مبارزه با دیکتاتوری و توتالیترایسم و غیره» منتشر کرده است.

قلب شجاع و تپنده این انتشارات خانم شهلا لاهیجی بود که با هزار دریغ در ۱۸ دی ماه ۱۴۰۲ چهره در نقاب خاک کشید. خانم لاهیجی به‌اختصار خود را چنین معرفی می‌کند:

من لاهیجی هستم. شهلا لاهیجی. مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان. اولین زن ناشر هستم. سال ۲۰۰۶ ناشر منتخب جهان شدم. یک جایزه قلم بردم. جایزه زنان در نشر هاندورا را بردم. اولین زن آسیایی بودم که این جایزه را بردم؛ همچنین تشویق‌نامه‌های زیادی از یونیسف و سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی در کارنامه فعالیتیم دارم. ناشری هستم که بدون نگاه به تجارت، با غلبه فرهنگ و اهمیت فرهنگ به کارهایش، هنوز زنده‌ام... ما انگار هر شب به خاکستر می‌نشینیم و صبح روز بعد از درون این خاکستر برمی‌خیزیم. ققنوس از درون خاکسترش بیرون می‌آید. شاید این یک تعریفی است از رنج ما، رنج نشر. ما جان‌سختیم. ما نامیراییم برای اینکه مردمیم. ما مردمیم و مردم همیشه زنده‌اند، حتی اگر ققنوس وار هر شب خاکستر بشوند.

فقدان این بانوی شجاع عرصه ترجمه و نشر را به اهل قلم تسلیت می‌گوییم و برای همکارانشان در روشنگران و مطالعات زنان آرزوی توفیق در ادامه راه ایشان داریم. ☹